

چشم اسفندیار حکومت اسلامی

به خوبی می دانیم که جمهوری اسلامی رژیمی است ایدئولوژیک که موازین اسلامی را به عنوان اصول ایدئولوژیک خود برگزیده و پابندی به این اصول را با نص صریح قانون اساسی تضمین کرده است.

یکی از موازین و شئونات اسلامی، رعایت حجاب از جانب زنان است. مفهوم و معنای «موازین اسلامی» به هر میزان که کشدار بوده باشد و هرگونه تعبیر و تفسیر و قرائتی را هم که به خود ببیزد و مصادیقش را نیز به هرسان دیگرگونه بپنداریم، اصل حجاب زنان از اصول و موازینی پایه ای است که به منزله پرچم نظام نکبت الهی چنانچه از دست دشمن گرفته شود و بر زمین افکنده و یا در آتش پستی و پاک کنندگی چهارشنبه سوری انداخته شود، آنگاه ستون های خیمه ولایت ترک برخواهد داشت و عنقریب فرو خواهد ریخت.

زمانی که سیمرغ به کمک رستم شتافت، رستم موفق شد با تیرانداختن به چشم اسفندیار، دشمن را از پای درآورد. سیمرغ خدای ایران، پیش از هر چیز نماد زایش و زاینده‌گی و نوزایی است. سیمرغ خدای زایمان و مامایی است. سیمرغ کنونی و امروز فرهنگ و جامعه ما، زنان ایرانی هستند که به درستی نقطه ضعف، و همچنین عضو و بخش و اصل آسیب پذیر دشمن را شناخته و هدف و آماج خود گرفته اند. زنان به دلیل اینکه در جمهوری اسلامی بیشترین ستم و بی حقوقی متوجه آنان بوده است، نفرتی عمیق تر از مردان نسبت به اصول و ارزش های ایدئولوژیک رژیم اسلامی داشته و انگیزه قوی تری برای مبارزه در راه تحقق برابری حقوق خود در جامعه نشان می دهند. البته برابری حقوقی در جامعه ای سکولار و دموکراتیک و آزاد، وگرنه برابری در ارث و دیه اسلامی مشکلی از مشکلات زنان حل نمی کند. چنانکه بدون شک برابری زن و مرد در قصاص و سنگسار را کسی آرزو نکرده بوده است.

خواست لغو حجاب اجباری از قوانین نوشته و نانوشته رژیم اسلامی به مثابه گفتمان براندازی، از پتانسیل بالایی برخوردار است که آرایخواهان و مبارزان با حکومت اسلامی می توانند بر نقش محوری آن به خوبی مانور بدهند. برابری حقوق زن و مرد با وجود حجاب اجباری به عنوان نماد و سمبل بی حقوقی زنان در اسلام هرگز میسر نیست.

اینکه بگوییم حجاب اجباری به مانند کشف حجاب امری ناپسند است، منطقی و استدلالی است که نه تنها از جانب حزب الهی ها و تروریست های مسلمان پذیرفته نبوده و نیست که حتی به کله اصلاح طلبان و نواندیشان دینی و ملی- مذهبی های اسنویست نیز علی رغم اداهای روشنفکرانه صدمن یک غازشان فرو نمی رود. چون چنین منطقی دقیقاً بر سکولاریسم مهر تأیید می زند و دهانشان را می بندد. اگرچه نویسنده این سطور کشف حجاب را به مانند حجاب اجباری نمی بیند. به بیان دیگر آن اجبار ایمانی و الهی و اهریمنی که در حجاب اجباری در این سی سال تجربه کرده ایم، به هیچ وجه از جنس و جنم و منطق کشف حجاب که با نیتی نیک و منظوری روشنگرانه به یاری و نجات زنان از تجاوز اسلامفروشان و آیت الله ها برخاست و زنان را از ففس تحقیر و توسری و از پستوی خانه ها و حرمسراهای جماع و جنایت رهایی بخشید و به میانه و میدان جامعه و زندگی کشاند، نبوده و نیست. در حجاب اجباری تحقیر و تخفیف و توهین و خوارداشت و ذلت زنان منظور است. مقصود ملاها و آخوندها و دینکاران در حجاب اجباری، به انقیاد و اختناق کشاندن و تسلیم جامعه انسانی است.

هر روز و هر گاه و هنگامه ای که زنان سربرهنه به خیابان آیند، همان زمان و همزمان، شیششه عمر غول چراغ جادو می شکند و حکومت سنگسار اسلامی از درون می ترکد و می میرد و فرومی پاشد. حجاب هم نشان و پرچم و هم پایه و ستون اسلام است. اسلام و اسلام فروشان در هر زمان و در هر کجا که خواسته اند ابراز وجود کرده و خود و عقایدشان را به دیگران تحمیل کنند، ابتدا به سراغ زن ها رفته و آنان را در حجاب پیچیده اند. هرگاه زنان ما از حجاب اجباری رهایی یابند، آنگاه اسلام با همه آموزه ها و احکام و شرایعش چون بادمعه بی ارزش و بی خاصیت می شود.

* در مبارزه ایرانیان با نظام نکبت الهی، تمامی نمادها، نشان ها، سراندیشه ها و مایه ها و پایه های فرهنگ کهنسال و گراسنگ ایرانزمین را می باید به یاری طلبید. از تمامی فر و فروزه ها و یادگارها و افتخارات و سنن این قوم می باید تیر و زوبین و خدنگی ساخت و بر چشم دشمن فرو کوبید. جشن چهارشنبه سوری و جشن نوروز و هفت سین و هر آیین و رسم رسوم اصیل ایرانی دستمایه ماست در نبرد با رژیم اسلامی.

نوروز و بهار و تابستان در راه است. در طی سه دهه چیرگی مطلق اهریمن بر سرزمین اهوراییمان، با فرا رسیدن بهار و تابستان، سگهای هار اسلام و شب پرستان گریخته از دلفینه های دیو، آشکارا به دشمنی با هر آنچه زیبایی و رنگارنگی است برمی خیزند. خرامیدن دختران شعر و شراب در خیابانها، دلربایی سروقامتان نژاد پاک، گیسوان پریشان و رنگارنگ زنان خاک هنر، چهره های آراسته و لبان خندان و گل رنگ بانوان ناز ابرانشهر، چون خاری در چشم دریده و دشنه ای در دل سیاه و چرکین اهریمن، راحت و آرامش را از آخوند، این مظهر پلیدی و تباهی و ننگ و بی آبرویی بشر می ستاند و چون سگهای وحشی آرواره هایش را برای گاز گرفتن و دریدن بکار می اندازد.

از طرفی فرصتی پیش روست. به تحقیق و تجربه دریافته ایم که به هنگامه نمایش انتخابات از سوی جمهوری اسلامی، رژیم در وضعیت ضعیفی قرار می گیرد که قادر به برخورد شدید و سرکوب مردم نخواهد بود. دولت کنونی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری خردادماه ۸۸ دچار ناامیدی نسبت به سرنوشت و آینده خود است و نامزدهای انتخابات نیز با دوراندیشی و برای جلب آراء مردم حاضر به پذیرش ریسک و ایجاد نارضایتی فزونتر خواهند بود.

و همچنین است بهار و تابستان که بهترین فرصت برای دهن کجی (مقاومت مدنی) به حکومت اسلامی است. می باید دختران و زنان آگاه و مبارز در کنف حمایت مردان و جوانان شجاع، با بی پروایی تمام با برانداختن حجاب از اندام زیبایشان، تولد شادی و شور و مرگ شبِ خفاش را فریاد بر آورند.

نیاید از بازداشت و کلانتری و دادگاه و جزیه ترسید. دختر این نگارنده را تاکنون دوبرتبه که یک بار حتا آبستن بود به کلانتری احضار کرده اند و هیچ غلطی هم نتوانستند بکنند و پس از چنددقیقه رهایش ساختند. پدران و مادران و همسران بدانند که این کمترین هزینه ایست که برای کسب حقوق و آزادی های طبیعی خود و فرزندان و همسرانشان می پردازند. احضار شما به کلانتری و بی دادگاه های جمهوری اسلامی و ستیز با ناقانون های اسلامی باعث افتخار و غرور دیگر هم میهنان شماست.

نگارنده یقین دارد که در جوانمردی ها، پامردی ها، پهلوانی ها و قهرمانی های زنان ایرانزمین، در نبرد با اهریمن اسلام و آخوند، بی هیچ تردیدی علاوه بر سیمرغ، میترا زرخدای مهر و مهربانی نیز به یاری آنان خواهد شتافت.

چشم اسفندیار در زیر حجاب پنهان است. باید بزنیم درست وسط حجاب!

siamakmehr@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>